

جزوه روش جذب

«ویژه واحد فرهنگی و اساتید طرح صالحین»

پایگاه مقاومت شهید انجوی شمرک زیباشهر
حوزه کمیل

آسیب های روشی مرحله جذب

۱. عدم توجه به دستورالعمل جذب و رعایت نکردن مراحل جذب به پایگاه
۲. تشکیل ندادن کمیسیون جذب در پایگاه
۳. رعایت نکردن تکالیف حداقلی و انتظارات حداقلی
۴. رعایت نکردن اصل تغافل در مورد متریان
۵. رعایت نکردن اصل اعتدال در رابطه با متریان
۶. نداشتن تعامل سازنده با مراکز جذب
۷. رعایت نکردن استانداردهای محتوایی مرحله جذب
۸. عدم اعتماد سازی برای خانواده های متریان
۹. تعطیلی برنامه گروهی(حلقه) بدون اطلاعات رسانی قبلی
۱۰. پرداختن سرگروه به کارهای متفرقه در هنگام تشکیل حلقه
۱۱. برگزار نشدن اردوی جذب
۱۲. عدم توجه به اصل محبت حداکثری در دوران جذب
۱۳. عدم توجه به وضعیت درس متریان در ایام جذب
۱۴. طولانی شدن جلسات در دوران جذب

جذب و اصول حاکم بر ارتباط

در ارتباط با اعضا می‌بایست اصولی را رعایت کرد که از جمله می‌توان به برخی از آنها اشاره نموده:

در ارتباط با اعضا می‌بایست اصولی را رعایت کرد که از جمله می‌توان به برخی از آنها اشاره نموده :

۴-۲-۱. رعایت اقتضائات سنی افراد. به طور مثال ایجاد شور و هیجان و... (با رعایت اعتدال) در برنامه ریزی برای سنین پایین تر می‌تواند در جذب آنان موثر واقع گردد.

۴-۲-۲. مواظبت از افراط و تفریط در برخورد های عاطفی و پرهیز از برخوردهای خشک و غیر عاطفی.

۴-۲-۳. بیش از اندازه در صدد ارضای شور و هیجان و مسائل عاطفی افراد نبوده و حدود الهی رعایت گردد.

۴-۲-۴. رعایت موازین اسلامی و پرهیز از زیاده روی در امور عاطفی افراد.

۳-۴ اهداف ارتباط :

هدف از برقراری ارتباط، فراهم آوردن زمینه مناسب برای جذب افراد به پایگاه در مراحل آغازین تربیت و رشد شخصیت افراد بر اساس اصول و مبانی اسلامی در مرحله نهایی است.

جذب و تکریم شخصیت انسانی

یکی از مواردی که در ارتباط اولیه لازم است به آن توجه شود ارتباط توأم با تکریم شخصیت انسانی متربی می باشد. به تعبیر دیگر ارتباط نباید توأم با کم توجهی و بی اعتنائی و امثال آن باشد.

۴،۱،۱) تکریم شخصیت انسانی :

یکی از مواردی که در ارتباط اولیه لازم است به آن توجه شود ارتباط توأم با تکریم شخصیت انسانی متربی می باشد. به تعبیر دیگر ارتباط نباید توأم با کم توجهی و بی اعتنائی و امثال آن باشد. عدم تکریم افرادی که قرار است جذب گردند می تواند آثار منفی و چه بسا مخربی در تربیت متربیان از خود بر جای گذارد که ضروری است مسئولین گروه ها از آن پرهیز نمایند. آیه دیگری نیز به بیان مطلب با قول لَين (زبان نرم) اشاره می کند و خداوند به حضرت موسی (علیه السلام) می فرماید: با فرعونیان با زبان نرم صحبت کند بلکه موثر واقع گردد. قرآن کریم می فرماید: « فَقُولَا لَهُ قَوْلًا لَّيْنًا لَّعَلَّهُ يَتَذَكَّرُ أَوْ يَخْشَى » [۱] و با او سخنی نرم گوئید که شاید پند پذیرد یا بترسد. که از این آیه مستفاد می گردد یکی از راههای تاثیرگذاری بر افراد زبان نرم و بیانی لَين می باشد که در جذب افراد لازم است به این موضوع نیز توجه کافی مبذول گردد .

۴،۱،۲) محبت :

از دیگر نکات در ارتباط اولیه، ارتباط توأم با محبت کردن به متربیان با رعایت موازین اسلامی و پرهیز از افراط می باشد که می تواند تاثیر بسزایی در جذب افراد از خود بر جای گذارند. منظور از محبت، شوق به هدایت افراد است. نه عشق و محبت به خود فرد و وابستگی و دوستی های افراطی .

۴،۱،۳) تغافل :

چشم پوشی و تغافل در این مرحله از جمله مواردی است که باید رعایت شود. در برخورد با اشتباهات متعدد، و در عین حال کوچک باید چشم پوشی کرد و فقط به اشتباهات بزرگ و مهم رسیدگی نمود . البته تغافل به معنی عدم توجه و رسیدگی و عدم برنامه ریزی و عدم تذکر نیست. لذا در عین حالی که تغافل می کنیم اما دقت نموده و در زمان، مکان و موقعیت مناسب به صورت خاص و ویژه فرد یا افراد را متوجه اشتباه رخ داده می کنیم .

۴،۱،۴) انتظار تکالیف حداقلی :

از دیگر مواردی که لازم است در مرحله جذب به آن توجه نمود پرهیز از ارائه تکالیف زیاد، سنگین و خسته کننده است زیرا اصل تکلیف پذیری، به مقدماتی از قبیل اخلاق، آگاهی، انگیزه، بینش، اعتقاد، باور و نیاز دارد. ضمن اینکه در قرآن مجید از ارائه تکالیف بیش از حد توان نیز منع شده است . « لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا أَلًا وَ سَعَهَا » [۲] خداوند هیچ کس را جز به قدر توانایی اش تکلیف نمی کند. به طور مثال می توان گفت: افرادی که در مراحل آخر جذب و ابتدای مراحل تثبیت به سر می برند را نباید توصیه به ختم قرآن کریم نمود بلکه برای تشویق به قرائت قرآن و بدست آوردن ثواب و انس با قرآن ذکر یک روایت که در آن خواندن سه مرتبه سوره توحید در شب معادل یک ختم قرآن است را طرح می کنیم .

۴،۱،۵) نظم و انضباط :

رعایت نظم و انضباط از اموری است که در توصیه‌های امیرالمومنین (علیه السلام) در کنار تقوا به آن اشاره شده «أوصيكم بتقوى الله و نظم أمرکم» [۳] توصیه میکنم شما را به تقوای الهی و نظم در امور .

در امور اولیه مانند حضور در جلسات گروه، ساعات مشاوره، برنامه ریزی ها و... یکی از مواردی است که می تواند در جذب افراد تاثیر گذار باشد . لذا لازم است نظم به اندازه ای باشد که افراد بیشترین استفاده را از اوقات خود برده و با این کار به آنان رعایت نظم و انضباط را در عمل آموزش داد .

۶،۱،۴) برنامه ریزی اقتضائی :

برنامه‌ریزی اقتضایی به معنی رعایت اقتضائات و شرایط خاص است که در برنامه ها بوجود می‌آید. برنامه ریزی اقتضایی یکی از نکاتی است که نه تنها منافاتی با نظم در امور ندارد بلکه لازم است مورد توجه برنامه ریزان قرار گیرد تا در صورتی که برنامه ریزی صورت گرفته به صورتی غیر مترقبه دچار مشکل گردید متناسب با شرایط و موقعیت پیش آمده و با تدبیر، مجددا برنامه ریزی نموده و از مشکلات جدی‌تر و اساسی‌تر و یا کاهش تاثیر گذاری برنامه‌ها جلوگیری نمود. به طور مثال اگر در زمان برگزاری جلسات (بنا به هر دلیل) افراد دچار خستگی شده بودند چه بسا لازم است ادامه آن به وقت دیگری موکول گردد.

۷،۱،۴) خطاب نیکو :

یکی از اموری که در جذب و جلب علاقه میان دو نفر تاثیر بسزایی دارد رعایت حقوق هم نشینی است که آدمی با او معاشرت دارد تا او را با علاقه و محترمانه و به نیکویی مورد خطاب قرار دهد [۴].

جذب و اصول کلی ارتباط با دیگران ۱

انواع مهارت‌های ارتباطی :

از آنجا که برقراری ارتباط از دو راه کلامی و غیر کلامی میسر است، مهارت های ارتباطی به دست آمده از قرآن و سیره معصومان (علیهم السلام) را در دو دسته کلامی و غیر کلامی تقسیم بندی نموده ایم.

ارتباط‌های کلامی

ارتباط کلامی، شامل کلماتی است که بر زبان می‌آوریم؛ برای مثال، جذاب بودن محتوای کلام، تهدید آمیز نبودن آن، شور انگیز بودن موضوع صحبت، قابل فهم بودن کلام و... که باعث تسهیل ارتباط می‌گردد، از این دست است «در واقع به مجموع روابطی که از طریق سخن و گفتن حاصل می‌شود ارتباط کلامی می‌گویند». برای اینکه در روابط با اعضای حلقه خود موفق شویم باید از کلمات، با دقت استفاده کنیم. هر کلمه‌ای احساسات، عواطف خاص و عملکرد متفاوتی را در افراد بر می‌انگیزد. اگر کلمات در مکان مناسب خود به کار برده شوند به سرعت بر روح و جان افراد تأثیر می‌گذارند. بیان الفاظ دلپذیر و موزون، موجب می‌شود شخص مقابل با متانت به سخن ما گوش فرا دهد. اما عبارات‌های مغرضانه و کینه جویانه اغلب خشم دیگران را بر می‌انگیزد و او را به جبهه گیری دعوت می‌کند و در نهایت روابط را به دشمنی و تعارض و نبرد می‌کشاند [۱].

مهارت‌های کلامی به دست آمده از قرآن و سیره‌ی معصومان (علیهم السلام) چنین است :

۱. شفاف و قابل فهم بودن کلام :

امیر مؤمنان علی (علیه السلام) در لزوم داشتن چنین مهارتی می‌فرماید: «نیکوترین گفتار، کلامی است که منطق و نظم، زیبایش کرده باشد و برای همه مردم از خواص و عوام، قابل فهم باشد.» [۲]. با توجه به این سخن امام علی (علیه السلام) باید هنگام گفتگو با دیگران و بالاخص در مباحث حلقه‌های تربیتی به چند نکته توجه کنیم: نخست اینکه، سخن باید منطقی باشد تا برای هر شخصی از نظر عقلی پذیرفتنی باشد، دوم اینکه، سخن باید نظم داشته باشد یعنی در استفاده از کلمات دقت شود تا کلمات کلافی سر در گم نشود و مخاطب منظور اصلی گوینده را دریابد (از پراکنده گویی و استفاده از کلمات بی مورد پرهیز شود) و سوم اینکه، برای اعضای حلقه قابل فهم باشد، یعنی به میزان درک مخاطب توجه داشته باشیم.

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) در این خصوص می‌فرماید: «به ما پیامبران امر شده است تا با مردم در حد فهم شان سخن گوئیم» [۳] و یا در حدیثی دیگر می‌فرماید: «وقتی با قومی سخن گویی که عقولشان بدان نرسد برای بعضی شان مایه فتنه خواهد بود» [۴]. بسیاری از مشاجرات و دلخوری‌های پدید آمده بین مردم، بر آمده از شفاف نبودن سخن و مبهم بودن کلام است، فردی که قادر نباشد کلام خود را شفاف بیان کند به طوری که برای دیگران قابل فهم باشد، ممکن است نه تنها به مقصود خود نرسد، بلکه کلام او ناخواسته موجب کج فهمی و دلخوری دیگران شود.

هنگام سخن گفتن، وقتی سخن ما قابل فهم باشد، شنونده مشتاق به گوش دادن است، اما در صورتی که مطالب نا موزون و مبهم باشد برای شنونده خسته کننده و غیر قابل درک بوده و تمایلی به گوش دادن نخواهد داشت. علاوه بر قابل فهم بودن کلام، باید میزان درک و فهم مخاطب نیز در نظر گرفته شود و به اندازه درک و فهم او از کلمات استفاده گردد؛ در غیر این صورت سخنان ما به علت درک نشدن از سوی مخاطب، برای او جذاب نخواهد بود و او را خسته و دلزده خواهد کرد و یا مایه فتنه و سوء تفاهم خواهد شد. پس باید شرایط سنی و موقعیت روحی و میزان درک و فهم طرف مقابل را در نظر بگیریم. با پیروی از این الگو، ارتباط مؤثری را می‌توانیم با دیگران برقرار کنیم و از سوءظن و کج فهمی که حاصلی جز صدمه به روابط بین فردی نخواهد داشت، جلوگیری کنیم.

۲. گزیده گویی:

در روایت است که پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) فرمود: «هنگامی که موسی بن عمران (علیه السلام) با خضر (علیه السلام) ملاقات کرد، موسی (علیه السلام) به وی گفت: مرا موعظه کن. خضر گفت: ای کسی که جوایز دانشی، بدان که گوینده کمتر از شنونده خسته میشود، پس هیچ گاه اهل مجلس خود را خسته مکن.» [۵] با توجه به این روایت، سخن، هر قدر هم قابل فهم و دلنشین باشد، در صورتی که به تفضیل آن پردازیم از حوصله شنونده خارج شده و با بی میلی به آن گوش خواهد داد. هنگام سخن گفتن باید برای پرهیز از تفضیل کلام، کلمات را برگزید و نیکوترین آنها را انتخاب به طوری که هم مقصود را برساند و هم کوتاه و مختصر باشد و برای شنونده ملال آور نباشد.

رعایت اختصار و گزیده گویی در سخن مانع از بیان کلمات فتنه انگیز می‌شود، چرا که پیش از سخن، تفکر و تأمل شده است و تمام جوانب در نظر گرفته می‌شود تا موجب رنجش دیگری نگردد و یا سوءظنی ایجاد نکند. پر گویی علاوه بر ایجاد مشکلات ارتباطی برای انسان، عواقب اخروی نیز به بار می‌آورد. امام علی (علیه السلام) در این باره می‌فرماید: «ایاک و الهذر فمن کثر کلامه کثر آثامه؛ از پر گویی دوری کن، زیرا هر که پرگو باشد، گناهانش بسیار شود.» [۶] چرا که تأمل و اندیشه ای بر آنچه می‌گوید نمی‌کند و چه بسا گرفتار دروغ و غیبت و ... گردد.

سخنان پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) طول و تفضیل نداشت، بلکه در بردارنده مقصود بود [۷] ایشان کوتاه سخن می گفت و اصل مطلب را بیان می کرد تا از حوصله شنونده خارج نگردد و تأثیر لازم را داشته باشد. زیادی کلام باعث می شود به حواشی بسیار پرداخته شود و از میزان پرداختن به معنا و مفهوم مورد نظر بکاهد. این نوع کلام پایانی ندارد و برای کسی سودمند نیست. همان گونه که امام علی (علیه السلام) فرمودند: «از زیاده گویی، و پرداختن به حواشی سخن گفتن بی جهت و بی ضابطه پرهیزید، زیرا این نوع ارتباط کلامی، نه تنها برای شنونده سودمند نیست بلکه ملال آور است.» [۸]

ایشان در سخنی دیگر می فرمایند: «من کثره الکلام کثره غلطه؛ کسی که کلامش زیاد است، در حرفش پوچ و نا مفهوم فراوان است» [۹] یا «من کثر کلامه زل؛ کسی که کلامش زیاد باشد می لغزد» [۱۰]

همچنین می فرمایند: «من کثره کلامه کثر ملامه؛ کسی که گفتارش زیاد باشد، زیاد ملامت می شود.» [۱۱] و «کسی که سخنش زیاد باشد، اشتباهش فراوان است» [۱۲] در نتیجه از عیب های رعایت نکردن گزیده گویی و اختصار در گفتگوهای خود با دیگران می توان به خستگی و کم توجهی شنونده، اشتباه و لغزش در سخن، آشکار شدن عیوب، ملامت و سرزنش دیگران، به هدر دادن انرژی، پوچ و نا مفهوم بودن سخن و مواردی از این قبیل اشاره کرد که جملگی به روابط ما با دیگران لطمه می زنند.

[۱۰]. همان ح ۸۷۲۲

[۱۱]. همان ۷۹۶۵

[۱۲]. همان ۷۸۴۹

[۱]. اثر بخشی فراگیری مهارت های ارتباطی سجادی پور ۱۳۸۶ ص ۲۹

[۲]. آمدی ۱۳۷۳ ص ۴۶۳ ح ۳۳۰۴

[۳]. میزان الحکمه ری شهری ۱۳۷۵ ج ۲ ص ۲۹۷

[۴]. نهج الفصاحه پاینده ۱۳۷۷ ج ۲ ص ۶۶۹ ح ۲۲۱

[۵]. حلیه المتقین مجلسی بیتا ج ۱ ص ۲۲۶

[۶]. آمدی ۱۳۷۳ ح ۲۶۳۷

[۷]. غیائی کرمانی ۱۳۸۵ ص ۸۵

[۸]. آمدی ۱۳۷۳ ح ۷۱۳

[۹]. همان ۸۰۹۳

جذب و اصول کلی ارتباط با دیگران ۲

امام علی (ع) برای کسی که خواهان دوستان فراوان و دشمنان اندک است پیشنهاد می کند که کلام خویش را به نرمی و ملایمت عادت دهد. ایشان، لحن نرم و عاری از خشونت را موجب بهبود روابط بین فردی می داند و مردم را به آن تشویق می فرماید

۳. لحن نرم و عاری از خشونت :

امام علی (علیه السلام) برای کسی که خواهان دوستان فراوان و دشمنان اندک است پیشنهاد می کند که کلام خویش را به نرمی و ملایمت عادت دهد. ایشان، لحن نرم و عاری از خشونت را موجب بهبود روابط بین فردی می داند و مردم را به آن تشویق می فرماید [۱] کیفیت صدا یا علائم فرازانی به تغییرات و نوسانات در گفتار گفته می شود که معانی خاصی را با خود منتقل می سازد. زیر و بمی صدا، آهنگ، سرعت، موزون بودن، تردید و تامل، تأکیدهای خاص و... اطلاعات ویژه ای را با خود همراه میکنند.

در روابط بین فردی لحن تند و خشن، حتی اگر به منظور اهانت به دیگری نباشد موجب می شود دیگران در مقابل ما حالت تدافعی بگیرند و از ارتباط با ما دلسرد شوند. در ایجاد ارتباط کلامی، لحن کلام اهمیت کلیدی دارد. خداوند، برای به راه آوردن و آرام کردن فرعون به حضرت موسی (علیه السلام) می فرماید: «با او با لحنی نرم سخن بگو»، در واقع بدین معنا است که

در هنگام صحبت کردن با دیگری لحن کلام ما از آنچه می خواهیم بگوییم تاثیر گذارتر است. خداوند در حوزه بیان آداب سخن گفتن اشاره می فرماید: «نرمی در گفتار و رفتار پیامبر (صلی الله علیه و آله) موجب جلب مردمان به سوی ایشان شد» [۲]

هنگامی که با نرمی و ملایمت صحبت می کنید افراد را جذب خود می کنید و به راحتی می توانید بر روی آنها تاثیر بگذارید. آدم های خشن و فریاد زننده، افراد مناسبی برای دوستی و مصاحبت نیستند و همواره مورد بی اعتنائی و بی احترامی دیگران واقع می شوند. رسول خدا (صلی الله علیه و آله) بر همین اساس از مردم می خواهد که با ملایمت سخن گویند [۳]

۴. مهر ورزی و استفاده از کلمات محبت آمیز: مهرورزی، از زیباترین آموزه های اخلاقی است که نقش سازنده و مؤثری را برای گرایش انسانها به یکدیگر ایفا می کند و در بسیاری از موارد ارتباطات را صمیمی تر کرده و آتش کینه ها و اختلافات را خاموش می سازد. امام علی (علیه السلام) در این زمینه می فرماید: «دل های مردم رمنده است، هر که به آنها محبت کند، به او رو می آورند» [۴] مطابق سخن امام علی (علیه السلام) محبت و مهر ورزی افراد به یکدیگر، هم روحیه سخت و خشن آنان را تعدیل می کند و هم رابطه قلبی عمیقی در بینش شان به وجود می آورد. این رابطه در تمامی مراحل زندگی و فراز و نشیب های آن شریک و پشتیبان و فریادرس هم بوده، در برابر گرفتاری ها و دشواری ها محکم و استوار بایستند. در برقراری ارتباط، محبت کردن و ابراز علاقه می تواند از ما چهره ای محبوب در نظر دیگران بسازد.

در روایت است که مردی از قبیله بنی تمیم نزد پیامبر اکرم آمد گفت: مرا سفارش کن؛ پیامبر در ضمن سخنانش فرمود: «با مردم دوستی و مهربانی کن تا با تو دوست شوند» [۵] حضرت محمد (صلی الله علیه و آله) مهربانی و دوستی با دیگران را راه نفوذ در قلب آنان معرفی می نمایند. امام علی نیز در این زمینه چنین می فرماید: «قلوب الرجال وحشیة فمن تألفها قبلت علیه؛ دل های انسان ها بیگانه و نامأنوس است و هر کس از راه مهر ورزی وارد شود با آن الفت می گیرند» [۶] مطابق این سخن امام علی، محبت و مهربانی موجب جذب دلها به یکدیگر شده و همین امر زمینه های بهبود روابط فردی را ایجاد می کند. نکته حائز اهمیت این است که تنها محبت و دوست داشتن دیگران در دل کافی نیست، بلکه باید این علاقه قلبی را ابراز کرد.

تا وقتی که ما از بیان علاقه به دیگری خودداری می کنیم، چه بسا فرد مقابل هرگز در جریان احساس ما به خود قرار نگیرد و رابطه ی سرد و بی روح با ما داشته باشد. امام باقر (علیه السلام) نیز به مردم توصیه می فرماید: «اگر می خواهید دوستان بدانند و محبوب دیگران باشید به آنان اظهار محبت و دوستی کنید» [۷] و در حدیثی دیگر، امام کاظم (علیه السلام) و رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) اظهار محبت و دوستی با مردم، نیمی از عقل دانسته شده است [۸] از نظر امام صادق (علیه السلام)، ابراز محبت به کسی که او را دوست داریم و آگاه کردن او از این علاقه، باعث استواری محبت و روابط می شود [۹] رسول خدا (صلی الله علیه و آله) نیز در این زمینه می فرماید: «وقتی کسی آشنای خود را دوست دارد، به او خبر می دهد، که این کار موجب بقای الفت و دوام مودت است» [۱۰] به زبان آوردن علاقه قلبی در جذب قلوب بسیار مؤثر و نافذ است و به شدت پیوندها را استوار می سازد؛ چنین عملی به عمق جان دیگری اثر کرده و علاقه طرفین را فزونی و تداوم می بخشد و موجب اطمینان قلبی می شود.

البته همان طور که در اصول کلی ارتباط با دیگران بیان شد، حفظ حدود الهی در مهرورزی به دیگران بسیار مهم بوده و لازم است در صورت بروز مفسده در این امر به سرعت متوقف شود.

۵. قطع نکردن سخن طرف مقابل:

رسول خدا (صلی الله علیه و آله) در حدیثی می فرماید: «هر که در میان سخن گفتن برادر مسلمان خود سخن بگوید، چنان است که خدشه و خراشی در روی وی وارد نموده است» [۱۱] بر اساس این سخن، قطع کردن سخن دیگری می تواند تا بدین حد

دردآور باشد و فرد مقابل را برنجاند. قطع کردن حرف دیگران از چند لحاظ موجب تخریب روابط بین فردی می‌شود؛ نخست، موجب می‌شود فرد احساس ناخوشایندی از برقراری ارتباط با ما داشته باشد و احساس کند که شنونده خوبی نبوده و برای وی احترام قائل نیستیم، دوم، این کار موجب می‌شود سلسله گفته‌های شخص به کلاف سردرگمی تبدیل شود و وی نتواند پیام اصلی خود را آن گونه که می‌خواست منتقل کند.

ابراهیم بن عباس به نقل از امام رضا (علیه السلام) نقل می‌کند که ایشان برای حفظ احترام، هرگز حرف کسی را پیش از اتمام سخنش قطع نمی‌کرد. [۱۲] چنان که ملاحظه می‌شود چنین برخوردی نشانه احترام و بزرگداشت دیگران است. از آنجا که هر شخصی بنا بر فطرت وجودی خود خواهان حفظ شخصیت و احترام خویش از سوی دیگران است، اگر به هر طریقی این شاکله‌ی وجودی با بی‌توجهی مواجه شود، به آسانی از آن خواهد گذشت. سخن گفتن هنگام صحبت کردن دیگری، در روابط بین فردی پیامدهای مختلفی بر جای خواهد گذاشت. از طرفی داشتن چنین مهارتی (قطع نکردن صحبت طرف مقابل) موجب بهبود روابط با دیگران خواهد شد؛ چرا که فرد مقابل احساس می‌کند برای او ارزش و احترام قائل هستیم و سخنانش برای ما قابل توجه و سودمند است.

[۱]. www.ahl-ul-bayt.org

[۲]. قرآن کریم آل عمران، ۱۵۹

[۳]. نهج الفصاحه پابنده، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۲۴۷، ش ۴۸۶

[۴]. آداب معاشرت از دیدگاه معصومین (علیهم السلام) عاملی ترجمه فارابی ۱۳۷۲ ص ۱۳۹

[۵]. آداب معاشرت از دیدگاه معصومین (علیهم السلام) عاملی ترجمه فارابی ۱۳۶۹ ص ۱۵۵

[۶]. تاریخ پیامبر اسلام صفایی ۱۳۸۱ ج ۱ ص ۵۲۷

[۷]. حلیه المتقین مجلسی، ۱۳۸۵، ص ۶۱۲

[۸]. حلیه المتقین مجلسی، ۱۳۸۵، ص ۳۱۷ و آداب معاشرت از دیدگاه معصومین (ع) عاملی، ترجمه فارابی، ۱۳۷۲، ص ۵۰

[۹]. اصول کافی کلینی، ترجمه رسولی، ۱۳۸۷، ج ۴، ص ۴۵۹

[۱۰]. نهج الفصاحه پابنده، ۱۳۷۷، ص ۱۸۰، ج ۱، ص ۱۴۰

[۱۱]. حلیه المتقین مجلسی، ۱۳۸۵، ص ۳۱۵

[۱۲]. آداب معاشرت از دیدگاه معصومین (علیهم السلام) عاملی، ترجمه فارابی، ۱۳۷۲، ص ۱۵۵

جذب و اصول کلی ارتباط با دیگران ۳

در روایتی گزارش شده است که امام علی^(ع) به یکی از یارانش نامه ای نوشت که این گونه آغاز شده بود: «سفارش می‌کنم تو را و خود را به پرهیزگاری».

۶. پرهیز از دستور دادن و ریاست طلبی:

در روایتی گزارش شده است که امام علی^(علیه السلام) به یکی از یارانش نامه ای نوشت که این گونه آغاز شده بود: «سفارش می‌کنم تو را و خود را به پرهیزگاری».^[۱] در این روایت، یک نکته ظریف ارتباطی نهفته شده است و آن این است که انسان فطرتاً از دستور و امر و نهی بیزار است و در صورت شنیدن کلام دستوری سعی می‌کند به نحوی ماهرانه این مانع ارتباطی را از بین برده اند و در آغاز نامه ننوشته اند سفارش می‌کنم تو را (حالت امری و دستوری)، بلکه خود را نیز مورد سفارش خطاب می‌کند تا فرد مقابل در برابر ایشان جبهه گیری نکند.

هر کدام از اعضای حلقه انتظار احترام دارد، دستور دادن کاملاً مغایر با این خواسته است. چرا که نوعی بی احترامی و دیده تحقیر به دیگری نگریستن است. همه ما باورها شاهد این واقعیت بوده ایم که مطالبه کردن، فرمان دادن، فشار آوردن و رفتارهایی از قبیل، دیگران را و می‌دارد در مقابل ما صف آرایی کنند. برای جلوگیری از چنین واکنشی هایی تنها کافی است خواسته‌های خود را در قالبی محترمانه و در قالب تقاضا یا همراهی مطرح کنیم.

امام صادق^(علیه السلام) در این زمینه می‌فرماید: «هر که ریاست طلبد هلاک شود»^[۲] یعنی کسی که به دنبال ابراز برتری خود بر دیگران است و همواره دستور می‌دهد، کم کم ارزش و اعتبار خود را از دست خواهد داد و دیگران به خشم آورده و موجبات هلاکت خود را، که همان طرد شدن از اجتماع است، فراهم آورد.

۷. پرهیز کردن از منت گذاشتن:

امام علی^(علیه السلام) در نامه ۵۳ نهج البلاغه به مالک اشتر، یکی از فرماندارانش، می‌فرماید: «مبادا هرگز با خدمت‌هایی که انجام دادی بر مردم منت گذاری، یا آنچه را انجام داده ای بزرگ شماری».^[۳] مطابق نوشته امام علی^(علیه السلام) اگر ما خود را وسیله ای بدانیم که خداوند خواسته به وسیله ما به اعضای حلقه خیری برساند، هرگز آن خیر را از ناحیه خود حس نمی‌کنیم و منتی بر سر ایشان نمی‌گذاریم. امام سجاد^(علیه السلام) نیز در این راستا می‌فرماید: «مخواه که نیکی به مردم با کدورت منت نهادن آمیخته گردد».^[۴]

نیکی و احسان یکی از راههای مؤثر نفوذ در قلب دیگران است، اما بنا بر سخن امام سجاد^(علیه السلام) چنانچه پس از انجام کار نیک منت گذاشته شود، کدورت و دشمنی به وجود می‌آید و ارتباط بین اشخاص تیره می‌شود. پیامبر اکرم^(صلی الله علیه و آله) در مذمت چنین عملی می‌فرماید: «بهشت بر کسانی که بر دیگران منت می‌گذارند حرام است»^[۵] و در حدیثی دیگر می‌فرماید: «میان منت گذار و جهنم فاصله و حجابی نیست».^[۶] نباید برای هر اقدام مفید و خوبی که انجام می‌دهیم توقع واکنش فوری داشته باشیم. کاری را که برای دیگران صورت می‌دهید، کاری بی منت خواهد بود تا روزگاری بدان پاسخ دهند، ولی شما هرگز متوقع جواب آن نباشید، بلکه باید خود را به درست اندیشیدن و انجام کار خوب عادت دهید، نه اینکه همچون کارگری که وظیفه اش را انجام ناده، منتظر بایستید و دستمزدتان را بخواهید.

گروهی پاداش محبت‌های انسان را می‌دهند و برخی هم از در می‌گذرند و به روی خود نمی‌آورند. در این میان این شماست که باید با بزرگواری، گذشت کنید و بی‌اعتنایی دسته دوم را به آنها گوشزد نکنید. از سوی دیگر اگر می‌خواهید در دل دیگران راهی باز کنید، توقع مقابله به مثل نداشته باشید.

اگر ما از پاسخ و واکنش مناسبی هم دریافت نکنید، از رفتار آنان گله مند نخواهید شد. اگر ما از دیگران توقع داریم که جواب محبت‌هایمان را بدهند، در این صورت خود را در معرض یاس و ناامیدی از آنان خواهیم داد و کم‌کم روابطمان به سمت نابودی پیش خواهد رفت.

[۱]. گزیده ای از اصول کافی در مبانی دین اسلام کلینی، ترجمه شبستری، ۱۳۵۱، ص ۹۱

[۲]. اصول کافی کلینی، ترجمه مصطفوی، بی تا، ج ۳، ص ۴۰۵

[۳]. نهج البلاغه دشتی، ۱۳۷۹، ص ۵۸۹

[۴]. روابط انسانی در تعلیمات اسلامی رضایی، ۱۳۸۵، دعای ۲۰، ص ۱۰۷

[۵]. آداب معاشرت از دیدگاه معصومین (علیهم السلام)، عاملی، ترجمه فارابی، ۱۳۷۲، ص ۲۰۱

[۶]. نهج الفصاحه پابنده، ۱۳۷۷، ص ۴۰۴، ح ۱۲۲۶

جذب و اصول کلی ارتباط با دیگران ۴

اهمیت تشکر از دیگران آنچنان است که رسول خدا^(ع) می فرمایند: «از همه مردم سپاسگزار تر آن کسی است که بیشتر از دیگران سپاسگذار مردم باشد».

۸. سپاسگذاری از دیگران:

اهمیت تشکر از دیگران آنچنان است که رسول خدا^(صلی الله علیه و آله) می فرمایند: «از همه مردم سپاسگزار تر آن کسی است که بیشتر از دیگران سپاسگذار مردم باشد» [۱] و در سخنی دیگر می فرمایند: «از خدا نیز سپاسگذاری نکرده است» [۲] یک راهکار برای نشان دادن احترام و تواضع، سپاسگذاری از دیگران است، گاهی در روابط بین فردی می بینیم برخی از مسئولین حلقه‌ها به قدری مغرور و متوقع هستند که انجام هر کاری را وظیفه اعضاء حلقه می دانند و نیازی به تشکر و قدردانی نمی بینند و همین امر موجب می شود دیگران با بی میلی برای وی کاری انجام دهند، این در حالی است که خداوند انسان را به گونه ای آفریده است که دوست دارد در برابر کار خوبی که انجام می دهند، ستایش شود، به ویژه از سوی کسانی که کار خوب انجام می دهند، ستایش شود، بویژه از سوی کسانی که کار خوب برای آنان و به سود آنان بوده است.

پیامبر اکرم^(صلی الله علیه و آله) در حدیثی می فرمایند: «هر کس نیکی ببیند، آن را تلافی کند و اگر نتواند آن را یادآوری کند؛ زیرا یادآوری آن شکر و سپاس آن است» [۳] مطابق این سخن کمترین مرتبه تشکر از مردم، یادآوری کار نیک آنان است و در صورت امکان، جبران کردن نیکی نیز پسندیده و ارزشمند است. امام صادق^(علیه السلام) نیز در حدیثی می فرمایند: «سپاسگزاری کن هر که را برای کار انجام داده» [۴] و در حدیثی دیگر می فرمایند: «کسی را که به تو نعمت داد، سپاس بگزار؛ زیرا با سپاسگزاری نعمت‌ها نابود نگردد و با ناسپاسی پایدار نماند، سپاس گزاری مایه افزایش نعمت است و ایمنی از دگرگونی» [۵] رفتار آمیخته با تشکر با مردم و سپاسگزاری از آنان نشانه قدرشناسی است و زمینه ساز جلب اعتماد آنان خواهد شد؛ زیرا انسان به کسی اعتماد می کند و او خوش بین است که خوبی و بدی و زشتی و زیبایی برایش متفاوت باشد و در برابر آنها، واکنش مناسب نشان دهد. امام علی^(علیه السلام) نیز در این زمینه می فرمایند: «سپاسگزار کسی باش که تو را نیکی می کند» [۶] کسی که در برابر خوبی سپاسگزار است و کار نیک قدردانی می کند، از خود شخصیتی می سازد که محبوب و مورد احترام دیگران است و به دیگران نیز نشان می دهد که برای انجام کارهای خویشان ارزش و احترام قائل است و تفاوت خوبی و بدی را می فهمند.

۹. پرهیز از تحقیر کردن:

پیامبر اکرم^(صلی الله علیه و آله) در مذمت این عمل غیر اخلاقی می فرمایند: «خوارترین مردم کسی است که مردم را خوار بشمارد» [۷] و «برای مرد همین شر بس که برادر مسلمان خویش را تحقیر کند» [۸] از نظر ایشان وقتی دیگری را تحقیر می کنیم از شر کینه و عداوت او در امان نخواهیم بود. امام صادق^(علیه السلام) به نقل از حضرت محمد^(صلی الله علیه و آله) فرموده اند: «خدای عزّ و جلّ فرمود: آشکارا به جنگ با من خاسته آن کس که بنده ی مومن مرا خوار کند» [۹].

آثار این عمل غیر اخلاقی به حدی است که خداوند آن را اعلان جنگ با خویش معرفی می کند. از آثار اجتماعی تحقیر کردن و اهانت به دیگران، می توان به انزوا و طرد شدن از گروه اشاره کرد؛ چنان که رسول خدا^(صلی الله علیه و آله) می فرمایند: «هر که

دوستان خود را تحقیر کند، تنها ماند».[۱۰] پیشوایان گرامی اسلام به هیچ عنوان اجازه تحقیر و اهانت به کسی را نمی دادند حتی دشمنان و مسلمانان را از اینکه یکدیگر را سبک کنند و کوچک بشمارند، پرهیز می دادند تا روابط مبتنی بر کرامت و بزرگواری و احترام باشند و زمینه رشد کرامت ها فراهم شود.[۱۱] در صورتی که برای دیگری احترامی قائل نباشیم و به شخصیت او توهین کنیم، رشته ارتباط بین خود و او را گسسته ایم. کلماتی مانند: خیلی بی عرضه ای، تو یک بازنده ای، نادان و ... در دیگران ذهنیت بدی ایجاد می کند تا خود را ابله یا خطا کار ببینند. این پیام ها می تواند تاثیر مخربی روی تصویر ذهنی اشخاص بر جای گذارد و یا حالت تدافعی در مقابل ما ایجاد کند.[۱۲] انجام چنین عمل غیر اخلاقی بی تردید به روابط بین فردی آسیب خواهد رساند..

۱۰. پذیرش عذر دیگران:

امام سجاد (علیه السلام) به فرزند خویش فرمود: «اگر کسی در سمت راست تو بایستد و تو را دشنام دهد و آنگاه به سمت چپ تو آید و عذر خواهی کند، عذرش را بپذیر».[۱۳] بر پایه ی این سخن امام سجاد (علیه السلام) می توان به این نکته دست یافت که وقتی فرد مقابل در اثر عصبانیت، کج فهمی، سوء تفاهم و یا هر مورد دیگر کنترل خود را از دست داد و کلماتی را بر زبان راند که دور از ادب بود، اگر پس از مدتی از کرده خود پشیمان شد و برای عذر خواهی آمد، برای حفظ روابط بین فردی، بر ما واجب است که عذرش را بپذیریم؛ چراکه غرورش را زیر پا گذاشته و برای ابراز پشیمانی از رفتار خود به نزد ما آمده و این دور از انصاف است که عذر چنین فردی را نپذیریم.

کسی که اقدام به عذر خواهی می کند، از عملش پشیمان شده و قصد ترک آن را دارد و وظیفه فرد مقابل، پذیرش عذر وی است. پذیرش عذر علاوه بر مزایای دنیوی و ارتباطات بین فردی، مزایای آخروی نیز دارد؛ چنان که امام علی (علیه السلام) در وصیت به فرزندش محمد بن حنیفه می فرماید: «هر که عذر خواست عذرش را بپذیر، چه راست باشد و چه دروغ تا به شفاعت ما نائل گردی».[۱۴] حفظ روابط از چنان اهمیتی برخوردار است که حضرت علی (علیه السلام) می فرماید حتی اگر به ظاهر و به دروغ فرد مقابل اقدام به عذرخواهی کرد نیز عذرش را بپذرم. در مذمت نپذیرفتن عذر، رسول خدا (صلی الله علیه و آله) نیز کسی را که عذر نمی پذیرد، بدترین مردم می داند.[۱۵] در روابط بین فردی در حلقه ها، گاهی مسائلی پیش می آید که ممکن است فرد مقابل عملی انجام دهد یا حرفی بزند که موجب دلخوری و ناراحتی شود، حال اگر پس از مدتی وی پشیمان شد و برای ابراز پشیمانی و عذرخواهی نزد ما آمد، برای حفظ شخصیت خود و دیگری و برای حفظ روابط بین فردی واجب است عذر وی را بپذیریم. ما با پذیرش عذر دیگران به آنان ثابت می کنیم که داشتن روابط با آنان برای ما از هر چیزی با اهمیت تر است و هیچ اشتباهی هر چند از طرف فرد مقابل نمی تواند این ارتباط را بر هم زند.

۱۱. پرهیز از عیب جوئی

افراد عیب جو، از همه کس انتقاد می کنند و همواره نقاط منفی را بر می شمردند؛ گویی خود را برای پیدا کردن عیب و نقص دیگران وقف کرده اند. چنین افرادی همواره منفور دیگران هستند و جایی در قلب دیگران ندارند. بی تردید افراد عیب جو نه تنها زندگی خود را تباه می سازند، بلکه اسباب نگرانی دیگران را نیز فراهم می کنند و موجب پیدایش بی اعتمادی، نا امنی، فضای شک و تردید، تضعیف روحیه دیگران و ... می شوند.

رسول خدا (صلی الله علیه و آله) در توصیه به کسی که این عمل را انجام می‌دهد می‌فرماید: «در پی عیب‌ها و لغزش‌های مسلمانان نباشید، چرا که هر کس در پی شمارش و یافتن عیب‌های مسلمانان باشد، خدا هم پی جوی عیب او خواهد و هر که را که خدا در پی عیوبش افتد، رسوایش می‌سازد. هر چند در خانه اش باشد» [۱۶] امام صادق (علیه السلام) نیز در این باره می‌فرماید: «کسی که به منظور عیب جویی و ریختن آبروی مومنی سخنی بگوید تا او از چشم مردم بیفتد، خداوند او را از ولایت خود بیرون می‌کند و به سوی ولایت شیطان می‌فرستد و شیطان هم او را نمی‌پذیرد» [۱۷]

همان گونه که امام صادق (علیه السلام) می‌فرماید: کسی که در پی عیب‌های مسلمانان باشد از نظر مسلمانی و دینی گرفتار سقوط است و از ولایت خدا بیرون رفته، در ولایت شیطان قرار می‌گیرد و حتی شیطان هم حاضر به پذیرش او نخواهد شد. عیب جویی از دیگران و همواره تذکر دادن به آنان و استفاده کردن از واژگان منفی در برخورد با آنان موجب سردی و ناخوشایندی ارتباط می‌گردد. چرا که انسان ذاتا کرامت نفس دارد و مایل است شان و جایگاه و آبرویش حفظ شود و با کسی که چنین امری مهمی را نقض کند برخورد جدی و تندی خواهد داشت و مسلما نتیجه آن، وارد شدن آسیبی اجتناب ناپذیر به روابط بین فردی خواهد بود. افراد تا حدی می‌توانند چنین اعمالی را تحمل کنند و چندی نمی‌گذرد که در صدد تلافی و جبران بر خواهند آمد و آرامش و صفای زندگی به نا امنی، کدورت و کینه توزی مبدل می‌گردد و شیرازه روابط را از هم می‌پاشد.

البته تذکر این نکته ضروری است که ما بین عیب جویی و اصلاح دلسوزانه اعضای حلقه توسط سرگروه باید فرق نهاد. چرا که در عیب جویی غرض فرد عیب جو افشای عیوب دیگری برای نشان دادن ضعف طرف مقابل است، ولی در اصلاح خصائص فردی دیگران غرض فرد مصلح رشد و سازندگی در طرف دیگر خواهد بود. پس بدیهی است که عیب جویی مذموم بوده ولی اصلاح مورد مدح قرار گرفته است.

[۱]. نهج الفصاحه پابنده، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۳۱۲

[۲]. نهج الفصاحه پابنده، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۶۶۸

[۳]. قمشه ای، ۱۳۶۲، ص ۳۳۴

[۴]. گزیده ای از اصول کافی در مبانی دین اسلام کلینی، ترجمه شبستری، ۱۳۵۱، ص ۶۱

[۵]. اصول کافی کلینی، ترجمه مصطفوی، بی تا، ج ۳، ص ۱۴۹

[۶]. بابایی، ۱۳۷۲، ص ۲۴

[۷]. نهج الفصاحه پابنده، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۲۰۲، ص ۲۵۰

[۸]. نهج الفصاحه پابنده، ج ۲، ص ۶۱۲، ح ۲۱۶۶

[۹]. اصول کافی کلینی، ترجمه رسولی، ۱۳۸۷، ج ۴، ص ۵۳

[۱۰]. نصاب مشکینی، ۱۳۶۸، ص ۵۴

[۱۱]. شریعتمداری، ۱۳۷۵، به نقل از: روابط انسانی در تعلیمات اسلامی رضا آذری، ۱۳۶۲، ص ۴۷

[۱۲]. آدامز، ترجمه قرچه داغی، ۱۳۷۷، ص ۲۰۱

[۱۳]. آداب معاشرت از دیدگاه معصومین (ع) عاملی، ترجمه فارابی، ۱۳۷۲، ص ۱۶۲

[۱۴]. آداب معاشرت از دیدگاه معصومین (علیهم السلام) عاملی، ترجمه فارابی، ۱۳۷۲، ص ۱۶۱

[۱۵]. نهج الفصاحه پابنده، ۱۳۷۷، ص ۵۳۶، ح ۱۸۰۰

[۱۶]. اصول کافی کلینی، ترجمه رسولی، ۱۳۸۷، ج ۴، ص ۵۸ و بهشتی، ۱۳۸۷، ص ۴۳۷

[۱۷]. الوافی، ج ۵، ص ۹۷۶، به نقل از: آرای دانشمندان مسلمان در تعلیم و تربیت و مبانی آن بهشتی، ۱۳۸۷، ص ۴۳۷